

توضیح فوق روشن می‌سازد که برخی روایات مفسر واجبات و محرمات به اشخاص یا به نحوه ارتباط با آن‌ها - که گاه در تراث معروف شیعه راه پیدا کرده است<sup>1</sup> - نباید تلقی به قبول گردد، هر چند - شاید و به ندرت - از سند معتبر نیز برخوردار باشد.

نکته ای در ارتباط با کریمه سوره مائده

اکیدا باید توجه کرد که نکته موجه فوق‌الذکر نباید مانع قبول برخی اشارات قرآنی (البته با حفظ ظهور آن) که به گونه‌ای پیوند به تفسیر برخی محرمات به ولایت ناهلان می‌خورد، گردد. به عنوان مثال در آیه سوم از سوره مائده، چنین می‌خوانیم:

\* حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغیر الله به ... ذلکم فسق الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم ... فمن اضطر فی مخصمة غیر متجانف لاثم فان الله غفور رحیم \*

در این آیه دو رفتار مورد سؤال است: 1. عدم ارتباط بندهای آن با یکدیگر چه توجیهی دارد؟ 2. ذکر «فان الله غفور رحیم» بعد از ارتکاب شخص مضطر آن چه را به آن اضطرار پیدا کرده، چه توجیهی دارد؟ بر مضطر واجب است که در حال اضطرار از محرمات الهی استفاده بَرَد به طوری که اگر نبرد، مرتکب ترک واجب شده است و از واضحات است که بعد از انجام واجب (استفاده از مضطر الیه) «فان الله غفور رحیم» مورد ندارد، چیزی مثل «فان الله خبیر علیم» و... مناسب است. البته این اشکال نیز به اشکال اول (عدم ارتباط بندهای آیه با یکدیگر) برمی‌گردد.

رفتار برخی مفسران در این پیوند

برخی قائل به عدم ربط فقرات شده‌اند:

توجه کنید: «سواء قلنا ان الآیه نازلة فی وسط الآیه فتخللت بینها من اول ما نزلت او قلنا: ان النبی - صلی الله علیه و آله - هو الذی امر کتّاب الوحی بوضع الآیه فی هذا الموضع او قلنا: انها موضوعة فی موضعها الذی هی فیہ عند التالیف من غیر ان تصاحبها نزولا»<sup>2</sup>. و البته وجه آن را می‌توان حساسیت موضوع امامت و آیه آن دانست! و نسبت به رفتار دوم گفته شده: «...ان صفة المغفرة و مثلها الرحمة کما تتعلق بالمعاصی المستوجبة للعقاب کذلک یصح ان تتعلق بمنشأها و هو الحکم الذی یتتبع مخالفته تحقق عنوان المعصية الذی یتتبع العقاب»<sup>3</sup>.

اقتضای تحقیق

قائل شدن به عدم ارتباط بین فقرات آیه، هر چند ناممکن نیست لکن به عنوان آخرین گزینه باید باشد! چه اشکال دارد گفته شود: قرآن ظهوری دارد و اشاراتی. اشاراتی که گاه نماینده ای دال و مشیر به مفاد آن در کنار ظهور آیه وجود دارد.

1. رک: کنز الدقائق، ج 1، مقدمه المؤلف، ص 4 و 5، روایت از داود بن کثیر رقی است که در حق او گفته شده: از ارکان غالیان است. هرچند هرچند برخی بر این مطلب ملاحظاتی دارند. (تنقیح المقال، ج 1، ص 414 و 415)  
2. المیزان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 178.  
3. همان، ص 194.

حال اگر در این آیه، نظر خداوند افزون بر بیان تحریم شرعی میته و غیر آن، نظر به بیان حرمت تحلی به حکومت میته، خون و خنزیر و کسانی که برای غیر خدا صدا بلند کردند و چون درنده، دریدند و خوردند و... نیز داشته باشد و ناظر به این باشد که تنها ولایت الاهی - که اهلّ لله به و ذگی و طهر - مشروع است، هیچ مشکلی پیش نمی آید. البته اگر ولایت جایز را شخصی - للاضطرار او المصلحة - پذیرفت که - بالطبع - خالی از برخی محذورات و ستمها نیست، خداوند از باب «هذا بهذا» می بخشد.

با این بیان تمام اجزای آیه به یکدیگر مرتبط می گردد. ضمناً فراز دوم کلام المیزان دو بخش داشت : قسمت اول؛ «ان صفة المغفرة و مثلها الرحمة كما تتعلق بالمعاصی المستوجبة للعقاب» این بخش روشن و غیر محتاج به بیان است و قسمت دوم که کارگشا در مجال حاضر می نماید نه بین است و نه مبین بلکه چندان مفهوم هم نیست!

البته آن چه بیان گردید، هر چند تفسیر به رأی نیست و استفاده از اشارات قرآن است که متکی به برخی لطایف فهم می گردد، بیان می شود، لکن نباید بی حساب و کتاب تلقی گردد و ادعای آن به یک جریان و رویه تبدیل شود.

به هر حال، آن چه در ذیل این آیه بیان گردید، ربطی به تفسیر خود واجبات و محرمات به اشخاص یا به ولایت آنها و ترخیص واجبات و تحلیل محرمات ندارد.

نکات پایانی بحث از روایات عرضه و طرح

### 1. اراده موافقت حرفی و لفظی یا موافقت با روح قرآن

در بیانهای گذشته موافقت روایتی با قرآن به دو نحو تصور شده (با توضیحاتی که گذشت) لکن با تحقیقی که ما صورت دادیم هر دوی این فرض می تواند منظور در روایات عرضه و طرح باشد، بدون این که هیچ محذوری از محذوراتی که گروه دوم پنداشته بودند، پیش آید.

### 2. موافقت با سنت مسلم یا عقول قطعی

در برخی از روایات موافقت با سنت مسلم یا عقول قطعی هم بود. البته روایت موافقت با عقول ضعیف و روایت موافقت با سنت، معتبر بود. واضح است که با توضیحی که از گستره موافقت با کتاب داده شد، نیازی به اضافه کردن موافقت با سنت ( و عقول) نیست هرچند مضر به مطلب مورد ادعا هم نیست. بی جهت نیست که عموم روایات باب از این اضافه خالی هستند.

### 3. لزوم یا اولویت احتیاط در رد اخبار بدون مبرر لازم برای رد

واضح است که هر چند اخذ به هر خبر ناموجه و مخالف نظر اهل بیت - علیهم السلام - است، اما نباید در رد اخبار هم عجله کرد و تا میتوان باید توجیه (البته معقول و موجه) نمود.